

از هیتلر و موسولینی تا ترامپ

المپیک و جام جهانی عرصه تاخت‌وتاز آدم‌کش‌ها

همه چیز زیباست، چقدر مایه تأسف است که امروز ورزش به ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های کثیف طبقه ایتسین تبدیل شده است. حالا خیلی بهتر می‌توان متوجه تعریف واژه ورزش شویی شد. خیلی بهتر می‌توان نگرانی‌های افلاان حقوق بشر را در مورد رفتارهای احتمالی ترامپ در جام جهانی و حتی المپیک پیش‌رو درک کرد.

در تعریف «ورزش شویی» آورده‌اند: «عمل یک فرد، گروه، شرکت یا دولت ملی است که از یک ورزش مهم و معتبر بین‌المللی برای بهبود شهرت خود، از طریق میزبانی یک رویداد ورزشی، خرید یا حمایت مالی از تیم‌های ورزشی یا با شرکت در خود ورزش استفاده می‌کند. در سطح دولت‌ها، ورزش شویی برای دور کردن توجه از سوابق ضعیف حقوق بشر و رسوایی‌های فساد در داخل دولت است، هر چند که طی سال‌های گذشته و امروز ورزش شویی کاملاً مورد استفاده برای پوشاندن و دور کردن افکار عمومی جهان از شرارت، جنایات یا رسوایی‌های اخلاقی است.»

گفتمیم که ورزش شویی مسابقه‌ای به قدمت نژادپرستی، استعمار و تجاوز و جنگ‌افروزی دارد. فقط آدم‌های آن عوض می‌شوند. دنیا روز گاری هیتلر و موسولینی را به خود دیده و حالا هم ترامپ را که جام جهانی و المپیک پیش‌رو را فرصتی برای خود می‌داند که هم بیشتر پول به جیب بزند، هم چهره زشت و خونخوار خود را پشت نقاب جام جهانی و المپیک پنهان کند.

آنچه در پی می‌آید نگاهی گذرا به برگزاری دو رقابت المپیک و جام جهانی از سوی ۲ تن از سفاک‌ترین چهره‌های تاریخ بشریت است که سعی کردند با برگزاری پرشور المپیک و جام جهانی برای خودشان وجهه و مشروعیت دست و پا کنند، درست مانند کاری که این روزها آمریکا با خیمه‌شبابی رئیس‌جمهور فاسد و قماربازش در حال انجام آن است.

دنیا بی‌خیال تمام جنایات‌های آمریکا فقط منتظر شروع این نمایش تأسف‌بار مانده است. جام جهانی و المپیک پیش‌رو فرصتی است برای رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا تا مثل ۲ سلف خود از آمریکا چهره‌ای زیبا و موفق به مردم جهان نشان دهد. پس اگر در پایان این دو رقابت دیدید که آمریکا بر سکوی قهرمانی ایستاده، اصلاً تعجب نکنید، چون ترامپ نمی‌خواهد چیزی کمتر از هیتلر یا موسولینی داشته باشد.

فریدون حسن
اینکه ورزش ابزاری در دست استعمارگران و خونخواران عالم باشد چیز تازه‌ای نیست. اگر هیتلر و موسولینی از ورزش برای سیاست‌های نژادپرستانه خود استفاده کردند، اگر دولت‌های استعماری اروپا ورزش را پل رسیدن به اهداف کثیف خود در جای جای جهان کردند، چرا یکی مثل ترامپ نباید این کار را انجام دهد؟

حدود یک ماه دیگر به آغاز رقابت‌های جام جهانی باقی مانده، رقابت‌هایی که به میزبانی ۳ کشور مکزیک، کانادا و آمریکا برگزار می‌شود. رقابت‌هایی که هر چند علاقه‌مندان به فوتبال در سراسر جهان منتظر شنیدن سوت آغاز آن هستند، اما فرصتی است برای یکی از میزبانان آن تا از فوتبال برای تطهیر چهره خود در سطح جهان استفاده کند.

میزبانی آمریکا از جام جهانی و بخش قابل توجهی از بازی‌های آن برای این کشور و رئیس‌جمهور جاه‌طلب و نژادپرست آن یک فرصت استثنایی است برای سرپوش گذاشتن روی تمام فسادهای اخلاقی، تجاوزهای نظامی، جنایت‌های ضد بشریت، نژادپرستی و هزار و یک کار کثیف دیگر که فقط و فقط از دولت استعماری آمریکا و رئیس‌جمهور فاسد آن برمی‌آید.

آمریکا در حالی میزبان جام جهانی است که میزبان المپیک آینده هم هست. سال قبل هم میزبان رقابت‌های جام باشگاه‌های جهان بود. رقابتی که همه جهان دیدند رئیس‌جمهور دیوانه آمریکا چگونه مراسم اختتامیه آن را به جایگاهی برای اجرای شوی خود تبدیل کرد. آمریکا در حالی میزبان بزرگ‌ترین رویدادهای ورزشی جهان می‌شود که همزمان در تمام نقاط جهان شرارت می‌کند. رئیس‌جمهور یک کشور را می‌زدند، از گروهک‌های وحشی تجزیه‌طلب حمایت و آنها را مسلح می‌کند تا به جان مردم بیفتند. حامی سفت‌وسخت رژیم کودک‌کش صهیونیستی است که بیش از دو سال است مردم مظلوم فلسطین را با بمب‌های آمریکایی به خاک و خون می‌کشد و در نهایت با تجاوزی آشکار به کشورمان روی تمام جنایتان تاریخ را سفید کرد. از همه اینها که بگذریم، به پرونده فظور جنایات غیرانسانی دولت‌مردان آمریکا جمله رئیس‌جمهور فاسد این کشور در جزیره ایتسین باید اشاره کرد که مایه شرمساری بشریت است. پرونده‌ای که به قول یک سیاستمدار فرانسوی هر گاه بخشی از آن فاش می‌شود، آمریکا شروع به بمباران نقطه‌ای از جهان می‌کند تا گند آن بیشتر بالا نرزد.

حالا چنین کشور با چنین رئیس‌جمهور جنایتکاری میزبان جام جهانی و المپیک پیش‌روست. میزبان است تا چهره کریه خود را تطهیر کند تا مثلاً باگویی چقدر



المپیک فاشیسم و نژادپرستی

مقبولیت زورکی هیتلر

حامد قهرمانی
در طول تمام سال‌های گذشته زیاد شنیده‌ایم که «ورزش از سیاست جداست» اما همه خوب می‌دانیم که چنین شعار نغمه‌شده‌ای فقط از زبان کسانی بیرون می‌آید که بیشتر جنایات را علیه بشریت انجام داده‌اند یا اینکه همراه جانیان تاریخ بوده و هستند. بسیاری از رقابت‌های ورزشی در همین چند دهه اخیر در روزهایی انجام شده که همزمان با برگزاری آنها در گوشه دیگری از کره خاکی انسان‌های بی‌گناه زیر بمب و موشک بوده‌اند و کشتار شده‌اند.

جای تأسف است که میدان ورزش با وجود تمام ادعاهای مراجع بین‌المللی آن عرصه‌ای برای تاخت‌وتاز جنایتکاران تاریخ است تا با سوءاستفاده از میدان ورزش و توجه رسانه‌ها و افکار عمومی به اخبار و نتایج آن روی جنایت‌خودشان سرپوش بگذارند. به عنوان نمونه می‌توان به برگزاری المپیک ۱۹۳۶ در آلمان و زیر نظر مستقیم هیتلر اشاره کرد. حکومت هیتلر با برگزاری المپیک برلین، نمایشی باشکوه مقابل چشم‌های جهانیان برگزار کرد و ضمن کسب مقبولیت، جنایت‌هایش را نیز پشت پرده این نمایش بزرگ پنهان نگه داشت.

نگاهی به صفحات تاریخ و آنچه که این روزها در منابع خبری وجود دارد حاکی از آن است که در آن رقابت‌ها، پرچمی که صلیب شکسته نازی‌ها روی آن نقش شده بود همه‌جا دیده می‌شد و مردان و زنان با بازوبند‌های منقش به آن اجرای کارها را به عهده داشتند. چنان که برخی مورخان از جمله فرانک مک‌دانو در کتاب «هیتلر و ظهور حزب نازی» نوشته‌اند، هیتلر قدرت تبلیغات را می‌شناخت و می‌دانست چگونه از آن به نفع خودش بهره بگیرد. او بر تری نژادی می‌گفت و مصمم بود این برتری را ابتدا به اروپایی‌ها و بعد به مردم گوشه و کنار جهان نشان دهد. نکته مهم اینجاست که اکثریت آلمانی‌ها در آن زمان یعنی اواسط دهه ۱۹۳۰ با او همراه بودند.

خبرگزاری کتساب ایران در مورد همراهی مردم آلمان با هیتلر در گزارشی می‌نویسد: هورست کروگر در کتاب «خانه در هم شکسته» به تفصیل از این همراهی می‌نویسد و توضیح می‌دهد آلمانی‌ها ابتدا با هیتلر همدل و همفکر بودند و بعدتر که زشتی و تباهی رژیم بیشتر نمایان شد و ماجرا تا شکست فاجعه‌بار آلمان در جنگ دوم جهانی پیش رفت، بسیاری از آلمانی‌ها زبان به نکوهش هیتلر و حزب نازی باز کردند و بخشی از آنان به دشمنی با حکومت برخاستند. تعبیرش چنین است: «می‌دانم که نیش قیر چنین خاطراتی زشت است، می‌دانم که کمی شرم آور و مسخره است و هیچ کسی نخواهد باور کند که خودش آن موقع با همه وجود و به شکلی کودکانه همکاری کرده است. اگر کسی علیه هیتلر دست به اسلحه می‌برد، برای دستگیری‌اش نیازی به گشتاپو و اس‌اس نبود مردم خودشان او را در هیئت قاتل مسلح به دار می‌آویختند.»

بازی‌ها برگزار شد و با برتری آلمان به پایان رسید. آلمان با ۳۸ مدال طلا در رتبه نخست ایستاد، آمریکا با ۲۴ و مجارستان با ۱۰ طلا، نبره‌های دوم و سوم را کسب کردند. هیتلر به خواست‌اش رسید. البته که اگر نتیجه‌ای جز این رقم می‌خورد، هیتلر از همان برلین جنگ جهانی دوم را آغاز می‌کرد، اما آلمان برای اولین و آخرین بار فاتح المپیک شد، عنوانی که حتی خود ژرمن‌ها هم از یادآوری خاطرات آن شرمسار هستند.

بسیاری از تماشاگرانی که برای دیدن بازی‌های المپیک به برلین آمده بودند، مسحور پاکیزگی و نظم موجود در آلمان شده بودند. خبرنگار نیویورک تایمز از مسابقات المپیک برلین با عنوان «بزرگ‌ترین و تماشایی‌ترین رقابت ورزشی جهان تا آن روز» یاد کرد و رئیس کمیته المپیک ایالات متحده شگفتی خود را از فداکاری ورزشکاران آلمانی در جریان رقابت‌ها ابراز داشت. اما بسیاری از تماشاگران خارجی در برلین نمی‌دانستند که نازی‌ها همه «عناصر ناخوشایند و نامطلوب» را از سطح خیابان‌ها زدوده و به اردوگاه‌ها برده بودند. به علاوه، این ورزش‌دوستان نمی‌دانستند که دو المپیک برنامهریزی شده آینده برگزار نخواهد شد، چرا که جنگ جهانی دوم به لغو بازی‌های المپیک سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ منجر می‌شود. دو المپیک که با جنگ‌افروزی آلمان برگزار نشد و به جای آن جهان شاهد کشتار وسیع انسانی‌هایی شد که قربانی سیاست‌های نژادپرستانه میزبان المپیک برلین شدند.



جام جهانی موسولینی!

زدوبند در خرید محبوبیت

فوتبال و حتی فوتبال ایتالیاست. اینقدر که آنها می‌توانند قهرمانی ۱۹۳۴ را برای همیشه فراموش و از کار نامه خود پاک کنند. جام جهانی با قهرمانی موسولینی و نه ایتالیا تمام شد. اکثر داورها پس از بازگشت به کشورشان از هر گونه قضاوت در دیدارهای رسمی محروم شدند. در دیدار نیمه‌نهایی، با درخشش ماتیاس سیندلارا، اتریش جذاب آن روزها تا نقش بر آب کردن نقشه‌های موسولینی فاصله‌ای نداشت اما حضور هواداران تا چند سانتی‌متری زمین مسابقه به اندازه کافی سبک بازی اتریش را تحت تأثیر قرار می‌داد و اتریشی‌ها به جز باران، زمین باتلاق‌مانند، هواداران ایتالیایی و بازیکنان آتوری، باید با داور مسابقه هم می‌جنگیدند.

داوری که از سوی بنیتو موسولینی برای قضاوت در این دیدار مشخص شده بود، جوان سوئدی، ایوان ایکلیند نام داشت. او شب پیش از مسابقه نیمه‌نهایی با بنیتو موسولینی و بازیکنان تیم ملی ایتالیا شام مشترک صرف کرد تا تاکتیک‌های مورد استفاده در دیدار هماهنگ شوند! یوزف بیجان که یکی از بازیکنان تأثیرگذار اتریش در آن تورنمنت بود در این باره می‌گوید: «وقتی من در یک صحنه توپ را به جناح راست برای هم‌تیمی خودمان، چیزک فرستادم، داور همچون مدافعان ایتالیایی با ضربه سر، توپ را به بازیکنان رقیب رساند! باور کردنی نبود.» در نهایت ایتالیا بازی را با یک گل استادیوم ملی شهر رم، میراث‌دار امپراتوری روم برگزار می‌شد و لاجوردی‌پوشان باید به مصاف چکسلواکی می‌رفتند. تیمی سرشار از بازیکنان با استعداد اما بدون تجربه کافی. موسولینی بازم ایوان ایکلیند را به عنوان داور دیدار معرفی کرد و برای اولین و آخرین بار در طول تاریخ مسابقات جام جهانی، دیدارهای نیمه‌نهایی و فینال یک تورنمنت تنها یک داور داشت. پیش از آغاز دیدار فینال، ایکلیند به جایگاه ویژه رفت تا دوباره ملاقاتی کوتاه با آقای دوچه داشته باشد.

«میولوسلاو ینشیک» روزنامه‌نگار اهل جمهوری چک که ۲۰ سال از عمرش را وقف تحقیق درباره تینانی در جام جهانی ۱۹۳۴ کرده است می‌گوید دیدار داور مسابقه با موسولینی درست پیش از آغاز بازی عامل اصلی فروپاشی روحیه بازیکنان چکسلواکی بود: «بازیکنان می‌دانستند چه اتفاقی در دیدار نیمه‌نهایی میان ایتالیا و اتریش افتاده و مطمئن بودند سناریو برای آنها هم تکرار خواهد شد.»

از همان ابتدای دیدار، بازیکنان چکسلواکی که می‌دانستند در شرایطی بسیار نرابراب به مصاف رقیب خواهند رفت با بازی خشن و فیزیکی آتوری مواجه شدند. خطاهایی به شدت خشن که داور حتی سوت توقف دیدار را نیز به تبعشان به صدا در نمی‌آورد، چه برسد به جریمه بازیکنان ایتالیا. لاجوردی‌پوشان بازی را با نتیجه ۲ بر یک پیروز شدند و ایتالیا در رم جام قهرمانی جهان را بالای سر برد. اتفاقی که محبوبیت آقای دیکتاتور را به طرز قابل توجهی افزایش داد.

منبع: فوتبال ۲۶۰

